



نشریه ماهانه:

3rd Series, Issue 88

سری سوم، شماره 88

November 2020

آذر 99

سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati
Email: minohemati@gmail.com

مدیر مسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei
Email: shararehrezaei.p@gmail.com



مطالب

توجه: نشریه این ماه ضمیمه دارد

پژواک نه به اعدام، از اعماق حنجره تا نوک تیز قلم! گفتگوی مینو همتی با مریم رضایی گیوی

گزارش آکسیون روز جهانی منع خشونت علیه زنان در شهر اشتوتگارت آلمان
گزارش آز: مریم رضایی گیوی

به مناسبت 25 نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان
مریم مرادی

روز جهانی منع خشونت علیه زنان
برگرفته از: علیه بیکاری

زنان در اعتراضات آبان 98 نوری شریفی

منع خشونت علیه زنان سحر باباسلجی

صدایشان باشیم! حبيب و وحيد، دو برادر نوید افکاری ورزشکار اعدامی، 78 روز است که در انفرادی تحت شکنجه هستند و از آنها خبری در دست نیست

نویسنده خاطرات زندان، مبارزه یک زن در ایران گفتگو با نسرین پرواز

اطلاعیه سازمان رهایی زن

تفاوت همجنس گرایی و همجنس بازی شیمیا مقدم

صفحه ی خبری

- اجرای حکم شلاق داوود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو و فعال کارگری
- اقدام به خودکشی دو کودک در بندر عباس، مرگ دختر 8 ساله را رقم زد
- بازداشت یک نوجوان توسط نیروهای امنیتی در شهرستان شوش

راه های تماس با سازمان رهایی زن و نمایندگان آن در شهرها و کشورهای مختلف

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو نشریه

25 نوامبر (4 آذر) روز جهانی منع خشونت علیه زنان

آزادی زن در هر جامعه، معیار آزادی آن جامعه است



خشونت علیه زنان را متوقف کنید

به نشریه رهایی زن بپیوندید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی. از زندگی زنان (خودتان) و کودکان..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.
Markazi@RahaiZan.org

پژواک نه به اعدام، از اعماق حنجره تا نوک تیز قلم!
در گفتگوی مینو همتی با مریم رضائی گیوی



مریم عزیز، تا جائیکه بخاطر دارم طرحهای بسیار جالب تو که در ماهنامه رهایی زن نیز میدرخشد، ترکیبی از اعتراض و امید است، مینوئی بگویی که وقتی با موضوعات ناهنجار اجتماعی روبرو میشوی اولین عکس العمل تو چگونه بروز میکند؟

مریم رضائی: مگه می شود آدم اینهمه جنایت و ظلم را ببیند و چشم هایش را بر روی همه ی اینها ببند. به نظر من یک آدم بی تفاوت به مسائل پیرامونش، یک آدم مرده است. این ناهنجاری اجتماعی که شما بهش اشاره می کنید همان هایی هست که ما هر روز با آنها دست به گریبان بودیم و هستیم. باهش زندگی کردیم و چه بخواهیم و چه نخواهیم، رژیم خواسته و می خواهد که براساس شرع، عرف و قانون، این نابهنجاری ها را به ما تحمیل کند. اگرچه تابحال موفق نشد است. چونکه در طول تاریخ چهل ساله ی حکومت، مادران و پدرانمان با آنها جنگیدند و من و هم نسلی های من، پرچمدار این مبارزات، علیه حکومت هستیم.

بهنتره اینطور به سوال تون پاسخ بدم. وقتی می بینی که مثلا دختر همسایه ت که زیر 15 سال سن دارد، مجبور به ازدواج میشود. یا من که به عنوان یک زن، بخاطر حجاب در خیابون مورد تحقیر، توهین و ضرب و شتم و حشیانه ی اوباش حکومت قرار می گرفتم، یا مثلا همیشه توسط حراست دانشگاه تحقیر و توبیخ میشدم. که همه اینا مسلمان نشأت گرفته از شریعت و احکام ارتجاعی و عقب مانده اسلام هست. یا کشتار، شکنجه، اعدام و گرفتن جان و حیات هزاران انسان، نمی شود چشم ها رو بروی اینها بست. هرکس حالا به یک طریقی اعتراض و مخالفت خودش را نشان می دهد یکی با شال بستن به سر چوب علیه حجاب مثل دختران خیابان انقلاب، یکی با نوشته ش، یکی با شعرش، یکی مثل من هم با نقاشی، من هم به نوبه خودم خشمم را علیه حاکمیت نشون می دهم و مبارزه می کنم. تا بتوانم با نقاشی هام این جنایات را در تاریخ ثبت کنم.

مینو همتی: مریم عزیز قلم طراحی تو واقعیت های تلخ زمانه را با نوری از امید به آینده بهتر تصویر میکند، میتونی برای بینندگان ما توضیح بدهی اولین طرح اعتراضی، موضوعش چه بود و پیام تو چه کسانی را مخاطب قرار میداد؟

مریم رضائی: البته باید بگم من نقاشی های غیرسیاسی هم دارم که انسان ها مثلا کودک، سالمند، دختر سیاه پوست و ... سوژه های اصلی نقاشی ام هستند. ولی اولین نقاشی ام که رنگ و بوی اعتراضی داشت.

شصت اشاره کردم، چونکه حکومت ایران بسیاری از فعالین سیاسی و آزادی خواهان رو در این دهه شکنجه کرد و شبانه آنها را دفن کرد. حتی در اعتراضات اخیر دی و آبان هم میبینیم که هنوز هم جنازه های کشته شدگان تحویل خانواده ها داده نشد است. اما چرا نوید از بین این همه اعدامیان سیاسی، خاص شد و تبدیل شد به نوید قهرمان، چونکه او صدایش را تحت شدیدترین شکنجه ها از اعماق مخوف ترین سیاه چال ها و زندان های جمهوری اسلامی، به جامعه و دنیا رساند و از جنایات حکومت، پرده برداشت و آن را رسانه ای کرد. ما شاهد بودیم که تا مدت ها بعد از اعدام ش هم، فایل های صوتی اش دری دنیای مجازی پخش می شد، و چطوری نوید در بیدادگاه های حکومت به قاضیان فاسد و جنایتکار اعتراض می کرد و هرگز سر تسلیم فرود نیاورد.

همچین چیزی، در تاریخ حاکمیت منحوس و خونخوار حکومت ایران، شاید خیلی کم اتفاق افتاده باشد. اما نوید، دستگاه قوه قضائیه فاسد، و کل حاکمیت را با این کارش به مبارزه خواند و جهانی شد و تبدیل به "نوید قهرمان" شد.

و من در این نقاشی این پیام را رساندم که اگرچه نوید را اعدام کردید ولی نوید کل سیستم، از رهبر جنایتکارش، خامنه ای تا رئیسی، رئیس قوه قضائیه و در مجموع، کل حاکمیت را به مبارزه طلبید و در این میدان نابرابر جنگ، بازنده این میدان قطعا حاکمیت بود و نام نوید افکاری نه تنها در ایران بلکه در کل دنیا برسر زبان ها افتاد و کل دنیا از او بعنوان "قهرمان" یاد می کنند.

مینو همتی: مریم عزیز، اجازه بده مروری بکنیم به طرحهای هنر اعتراضی تو، برمیگردیم به گفتگوی خود ادامه میدهیم.

مینو همتی: خبر اعدام نوید افکاری، بانگ اعتراض هزاران انسان را برانگیخت، از فعالین سیاسی، اجتماعی و حقوق بشری تا ورزشکاران و هنرمندان هریک به سهم خود این جنایت دولتی را محکوم کردند و نزدیک بودن روز محاکمه جنایتکاران حاکم را به یکدیگر نوید دادند. در برنامه امشب با مریم رضائی گیوی هنرمندی جوان از تبار فعالین رهایی زن، مدافع حقوق زنان و کودکان که نیش قلم تصویر آفرینش دشمنان بشریت را نشانه میگیرد میهمان برنامه رهایی زن است.

مریم عزیز با سلام به برنامه رهایی زن خوش آمدید.
مریم رضائی: با سلام به شما و بینندگان عزیز سازمان رهایی زن

مینو همتی: مریم جان بینندگان رهایی زن با پاره ای از طرح هایی که به مناسبت های مختلف در اعتراض به رژیم ضدبشری حاکم در ایران ارائه دادی آشنا هستند، امشب دوست دارم برابمان در مورد طرحی که در اعتراض به اعدام نوید افکاری کشیدی توضیح بدهی، پیام تو به بینندگان این طرح چیست؟

مریم رضائی: همانطور که همه مون می دانیم، حکومت ایران از بدو شروع حاکمیت اش هزاران هزار نفر را دستگیر، شکنجه و اعدام کرده. مثلا خاوران یکی از ده ها مکانی ست که حکومت ایران تلاش کرده جنایت و قتل عامی را که در دهه ی شصت به راه انداخته پنهان کند و هر ساله ما می بینیم که در سالگرد این واقعه، بازماندگان این اعدامی ها، چقدر برای بزرگداشت یاد عزیزانشان اذیت و تهدید می شوند و اوباش جمهوری اسلامی مسیرهای ورود به خاوران را هر دفعه سد می کند و سعی می کند تا مانع برگزاری این مراسم ها و یادآوری جنایت هایشان بشوند. اما چرا من به دهه

نقاشی سعید شیرزاد بود که در زندان دست به اعتصاب غذای طولانی زده بود و همین باعث مشکلات گوارشی و معده ش شده بود. البته این هم اشاره کنم که من در یک خانواده سیاسی بزرگ شدم و از همان سنین نوجوانی در کانون های دفاع از کودکان کار و خیابان با توجه به شرایط سنی خودم همکاری میکردم، مثلا، صورت بچه ها رو نقاشی میکردم و بعدها که بزرگتر شدم در این کانون و کانون های اجتماعی سیاسی دیگر عضو بودم و فعالیت بیشتری داشتم. و همانطور که می دانید. سعید شیرزاد هم فعال حقوق کودکان بود. کسی که تمام زندگی اش را گذاشته بود، تا به کودکان کار و خیابانی که به دلیل شرایط بد زندگی و فقر خانواده از تحصیل محروم هستند درس یاد بدهد و یا حداقل چند ساعتی برای کودکان کار و خیابان، لحظات شیرینی بسازد.

جوانانی امثال سعید شیرزاد و آتنا دائمی که به جرم اینکه فعال حقوق کودک هستند و برای گرفتن حق آنها تلاش می کنند، با بد چندین سال از بهترین سال های عمرشان را در زندان سپری کنند.

کودکان حق تحصیل رایگان دارند و این دولت است که باید کودکان را تأمین کند تا هیچ کودکی بخاطر فقر و بی پولی مجبور به ترک تحصیل نباشد و این وظیفه ی تمام دولت هاست که این شرایط را برای کودکان فراهم کنند. ولی متأسفانه در ایران فعالین حقوق کودکان که مسئولیت دولت را دارند به دوش می کشند به جای اینکه مورد حمایت قرار بگیرند، در زندان ها برای رسیدن به حداقل های حقوق اولیه ی شان دست به اعتصاب غذا می زنند. در هر حال از این موارد کم نیست و پیام من این بود که اگرچه جسم فعالین و مبارزان را به زندان می اندازد اما ذهن و قلب کسانی را که دلشان برای کودکان می تپد نمی توانید در قل و زنجیر کنید و این مبارزه همچنان تا سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت.

گیرم که می کشید، گیرم که می برید، گیرم که میزید، با رویش ناگزیر جوانه ها چه می کنید.

مینو همتی: مریم عزیز به امید روزی که تمامی هنرمندان با هر وسیله ممکن پیام انسانی "ممنوعیت اعدام در سراسر جهان" را در سینه تاریخ حک کنند.

با سپاس از اینکه در برنامه شرکت کردی و هنر اعتراضی و مبارزاتی خود را بینندگان ما سهیم شدی. در انتها اگر با نسل خودت صحبتی داری سراپا گویشیم.

مریم رضانی: به نظر من بسیاری از جوان ها راه مبارزه را پیدا کردن و می دانند که تنها راه خلاصی از این بربریت و قوانین ارتجاعی، سرنگونی جمهوری اسلامی ست. و همه ی ما در هر کجا که هستیم نباید دست از مبارزه بکشیم و باید به هر طریقی که می توانیم صدای آزادی خواهی و برابری طلبی باشیم.

منم از شما متشکرم که این فرصت رو به من دادید تا در خدمت بینندگان عزیز تلویزیون رهایی زن باشم./

گزارش آکسیون روز جهانی منع خشونت علیه زنان در شهر اشتوتگارت_ آلمان' گزارش از : مریم رضانی گیوی

امروز، ۲۵ نوامبر ۲۰۲۰ برابر با ۵ آذر ۱۳۹۹، به فراخوان گروه زنان اشتوتگارت آلمان متشکل از سازمان های زنان کوراژ و دیگر احزاب رادیکال و چپ، آکسیون " روز جهانی منع خشونت علیه زنان" در میدان شلوس پلاتس (Schlossplatz) برگزار شد. مراسم در ساعت ۵ و نیم بعدازظهر با سخنرانی سازمان های مختلف شروع و سپس در خیابان های مرکز شهر راهپیمایی کردند. مطالبات و پلاکاردهای مختلف حاوی: پایان دادن به خشونت های جنسی و جسمی، ممنوعیت خرید و فروش سسکس، پرداخت حقوق برابر در ازای کار برابر، ممنوعیت ازدواج کودکان و اسیدپاشی و پایان دادن به هرگونه خشونت علیه زنان بود.



گزارش از: مریم رضانی گیوی
سازمان رهایی زن
۲۵ نوامبر ۲۰۲۰



به مناسبت 25 نوامبر ، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان
مریم مرادی فعال حقوق بشر و زنان



از گذشته‌های دور تا امروز، خشونت ابزار قدرتیست برای کنترل، تنبیه و سلطه بر زنی که انتظارات جامعه مردسالار را برآورده نمیکند. بنابراین، خشونت علیه زنان از اتفاق‌های موردی و شخصی فراتر می‌رود، با تبعیض سیستماتیک علیه زنان رابطه مستقیم پیدا میکند و حتی ممکن است شکل قانونی به خود بگیرد.

خشونت علیه زنان رابطه ای مستقیم با شیوه‌های ایجاد نظم در جامعه مردسالار دارد. در این نوع جوامع ، مرد یا محدود زنانی که ساختار مردسالارانه دارند ، از خشونت به عنوان ابزار تنبیهی در جهت تغییر رفتار یا سرکوب استفاده میکنند که برای او جایگاهی فرودست قائل‌اند.

در مسیر نقش‌پذیری مردان در ساختار خانواده مردسالار از آنها انتظار می‌رود، خصوصیات «چون» غیرت «و» تعصب «را به عنوان ارزش‌های اخلاقی بپذیرند، درونی کنند و در رفتارشان نشان دهند. در مقابل، «شرم و حیا» و مصادیقش که پوشیدگی بدن، پوشیده سخن گفتن، سر به زیری، اطاعت و سکوت است به عنوان ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای رفتاری زن شناخته میشود. به صورت تاریخی، این ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای رفتاری بیشتر در جامعه شهرنشین تولید و تشویق میشود.

یکی از معیارهای سنجش «غیرت» مرد در جامعه مردسالار میزان حساسیت مرد نسبت به حجاب زنان نزدیک خود است. در واقع، حساسیت نشان دادن به معنای نظارت بر حجاب زن و در صورت نیاز تنبیه با هدف تصحیح رفتار اوست. این نوع از تنبیه و کنترل که در تعریف امروزی حقوق بشری مصداق خشونت علیه زنان است اشکال مختلفی به خود می‌گیرد؛ از خشونت فیزیکی و

روانی که معمولاً به شکل توهین، تحقیر، تهدید و تمسخر بروز میکند گرفته تا ایجاد محدودیت حضور اجتماعی و استقلال اقتصادی برای زنی که از حجاب مورد نظر فرد خشونت‌گر پیروی نمیکند.

چهل و دو سال پیش ابتدا با فرمان حجاب اجباری توسط روح الله خمینی، خشونت ، آغاز و به تدریج با تثبیت قوانین زن ستیز، خشونت علیه زنان ، گسترش بیشتری یافت . به طوری که امروز ایران بالاترین رقم خودکشی زنان در خاورمیانه ، قتل‌های ناموسی و آمار بالای ازدواج کودکان را دارا است که از نظر متخصصین رابطه های مستقیم با سیاستها و قوانین مردسالارانه حکومت استبداد اسلامی ایران دارد.

از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی ، اولویت برنامه‌هایش را برای ساختن و نمایش جهانی «کشور اسلامی» قرار داد. این برنامه به شکلی که مد نظر حاکمان جمهوری اسلامی‌ست، با گوناگونی عقیدتی و قومیتی شهروندان و واقعیت جامعه ایران همخوانی نداشته و ندارد. از اینرو حکومت در چهار دهه گذشته با به کارگیری سیاست‌های قهری در صدد محقق کردن هدف خود برآمده است.



مبارزات زنان فعال ، آگاه و پیشرو در ایران پس از صدور فرمان حجاب اجباری به عنوان اولین اقدام رژیم بر ضد زنان، از ۸ مارس ۱۹۷۹ آغاز و تا کنون به طور مداوم ولی با فراز و فرودهایی ادامه داشته است. زنان در مواردی نیز توانسته اند رژیم را به عقب نشینی وادار کنند و در این راه از دستگیری، زندان و شکنجه نهراسیده اند و هرگز از پا ننشسته اند . با گسترش مبارزات زنان آزادی خواه و برابری طلب ، سرکوب‌های رژیم شدیدتر و وحشیانه تر شده است و حکم هایی بسیار سنگین برای زنان مبارز صادر می‌کنند و در حال حاضر نیز تعداد قابل توجهی از این زنان فعال در حوزه های مدنی، سیاسی و عقیدتی در زندان‌های مختلف حکومت استبداد اسلامی

ایران با احکام بسیار سنگین در حبس اند و گاه زیر آزار و اذیت‌های جنسیتی به سر می‌برند .

رژیم سرکوبگر با تحقیر زنان و احکام سنگین و وثیقه های وحشتناکتر برای آزادی موقت بسیاری از زندانیان چه زن و چه مرد، می‌خواهد جلوی مبارزات زنان را برای دستیابی به حقوق انسانی شان بگیرد. حکومت ترسیده و ناتوان شده است و عجز حکومت را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. مبارزات پیگیرانه و شجاعانه زنان به شدت مبارز ایران برای برخورداری از کرامت انسانی و پیروزی جامعه ای آزاد و بدون تبعیض و به ویژه برای برقراری برابری جنسیتی و حقوقی، همچنان به مبارزات آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه خود ادامه می‌دهند و دور نیست روزی که به حقوق انسانی خود دست یابند.

در چهل و دو سال گذشته کسانی که معتقد به رعایت حجاب به شکل دلخواه جمهوری اسلامی نبودند تبعیض و خشونت سیستماتیک دولتی را تجربه کرده‌اند. از جمله مصادیق تجربه تبعیض و خشونت در نتیجه سیاست‌های مربوط به جا انداختن حجاب اجباری در جامعه، از دست دادن شغل در صورت مخالفت با حجاب اجباری، به خصوص در سال‌های اول بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در نتیجه سیاست «پاکسازی و تصفیه» وزارت‌خانه‌ها، ادارات و سازمان‌های دولتی‌ست. کنترل، توهین، تحقیر و تهدید توسط حراست اماکن دولتی مثل فرودگاه‌ها، دانشگاه‌ها، دادگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و زندان‌ها، در طول سالها تبدیل به بخشی از تجربیات روزانه گروه وسیعی از زنان در شهرهای مختلف ایران شد. همینطور اعمال خشونت روانی و فیزیکی که عامل آن مأموران گشت‌ارشاد در اماکن عمومی و مأموران حکومت در بازداشتگاه‌ها هستند از مصادیق آشکار خشونت علیه زنان است. مشروط شدن دسترسی به موقعیت‌های شغلی دولتی، همینطور امکانات و خدمات حقوقی، درمانی، آموزشی و تفریحی به رعایت حجاب اجباری را نیز میتوان به عنوان مصداق ایجاد محدودیت و محرومیت سیستماتیک برای بخش جمعیتی بزرگی از زنان ایران نام برد.

موضوع دیگری که در بررسی ابعاد مختلف خشونت سیستماتیک به گروه وسیعی از شهروندان زن ایرانی در چهار دهه گذشته نباید کراهمیت پنداشته شود، مخدوش شدن امنیت روانی زنان بسیاری در نتیجه تن دادن اجباری به زندگی دوگانه در محیط‌های خصوصی و عمومی و سلب حق انتخاب در شخصی‌ترین امور زندگی است.

حکومت استبداد حاکم بر ایران ، به روشهای گوناگون در سالهای مختلف مکانیزمهایی را برای تبلیغ حجاب اجباری در جامعه به کار برده است ، یکی از آنها تبدیل کردن بخشی از شهروندان ایران به بازوهای حکومت برای پیشبرد سیاست کنترل بدن‌ها و باورهاست. این سیاست در عین اینکه امنیت روانی بخش بزرگی از جمعیت زنان و در بسیاری موارد



خانواده‌هایشان را خدشه دار میکند، باعث مشروعیت دادن به رابطه نابرابر میان شهروندان میشود. به این ترتیب، گروه‌هایی که یا خود را نزدیک به حکومت میدانند و یا وابسته به بخش‌های سنتی‌تر جامعه هستند و تحت تأثیر تبلیغات حکومت قرار گرفته‌اند، جایگاهی فرادست برای خود قائل میشوند که

شدت مرد سالار نیز بر جهان حکمروایی می‌کند، ولی به دلیل آگاه شدن زنان آزادی‌خواه و برابری طلب، این مبارزه نیز به یکی از مهمترین مبارزات برابری خواهانه علیه هر گونه تبعیض و نابرابری‌های عمیق اجتماعی تبدیل شده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، به واسطه تسلط مذهب و شرع بر قوانین مصوب کشور، تبعیض علیه زنان به شدت نهادینه شده است و در نتیجه هر صدای اعتراضی را با خشنوتی سازمان یافته و به شدت مردسالار، از چند زاویه مورد هدف قرار داده و زنان آزادی خواه و برابری طلب را به شدت سرکوب و حتی تحقیر می‌کنند. خشنوت و تبعیض علیه زنان در کشور ما ایران نیز در همین رده قرار دارد و با قوانین شریعت اسلامی و تثبیت فرهنگ مردسالاری، این خشنوت افسار گسیخته به شدت اعمال می‌شود.

بنابر آمار سازمان ملل متحد، ۳۵ درصد زنان جهان، در طول عمرشان تحت خشنوت های جسمی، روانی و آزار جنسی قرار می‌گیرند. این آمار در بسیاری از کشورهای که در زیر سلطه حکومت‌های دیکتاتوری و قوانین زن ستیز قرار دارند به بیش از ۷ درصد هم می‌رسد.

از آن جایگاه اجازه دخالت، تذکر و اعمال قدرت به دیگر شهروندان و در مواردی توهین، تحقیر، تهدید، ایجاد ترس و اعمال خشنوت فیزیکی به بهانه امر به معروف و نهی از منکر را به خود می‌دهند.

از خشنوت‌های دیگری که علیه زنان در ایران حاکم است : مسئله چندهمسری، صیغه (فحشاء موقت)، نداشتن حق انتخاب همسر ، ممنوعیت سقط جنین، نداشتن حق نگهداری فرزندان پس از درگذشت شوهر، نداشتن حق تعیین محل سکونت و مسافرت، نداشتن حق تحصیل و کار در بعضی از رشته ها ، قوانین ارث و طلاق و حجاب اجباری نمونه ای بارز از قوانین زن ستیزانه ای است که به طور سیستماتیک خشنوت‌های جنسیتی را در جامعه پایدار می‌سازد. مناسفانه در برخی از مناطق ایران اگر چه به صورت محدود، عمل شنیع و وحشیانه ختنه دختران هنوز صورت می‌گیرد و حکومت استبداد اسلامی در ایران برای جلوگیری از این عمل تبهکارانه هیچ اقدام فرهنگی و قانونی به کار نمی‌برد.

با وجود مبارزه مداوم زنان و مردان پیشرو، خشنوت علیه زنان همچنان در سراسر جهان ادامه دارد و نیمی از جامعه یعنی زنان را هدف سرکوب خود قرار داده است زیرا نه تنها قوانین تبعیض آمیز بلکه فرهنگ به

روز جهانی منع ثنوت علیه زنان

جنش رهایی زن در ایران بر سر شجاعت و از خودگذشتگی عظیم،

یکی پس از دیگری بنیادهای فرهنگی، مذهبی، قانونی و اجتماعی سراسر

جنون و مایخولمای ضد زن حاکم بر ایران را به هم آورده طلسم کرده است.

موج اعتراضی علیه ثنوت نسبت به زنان در همین راستا است و

باید در همه سطوح مورد حمایت فعال و مستقیم قرار بگیرد.

برگرفته از: علیه بیگاری



جنش رهایی زن در ایران بر سر شجاعت و از خودگذشتگی عظیم یکی پس از دیگری بنیادهای فرهنگی، مذهبی، قانونی و اجتماعی سراسر جنون و مایخولمای ضد زن حاکم را به هم آورد طلسم کرده است. موج اعتراضی در همین راستا است و باید در همه سطوح است باید مورد حمایت فعال و مستقیم قرار بگیرد.

متهمان اساسا از شهروندان معتبر، "خوش" نام و اسم و رسم دار جامعه هستند. خشنوت علیه زنان در اساس در خانه و توسط نزدیکان اعمال می‌گردد. در دنیای جرم و جنایت این عرصه ای است که دو قورت و نیم مجرم باقی است، مجرم خود "قربانی" است، نیت خیر دارد، از قربانی و از جامعه طلبکار است.

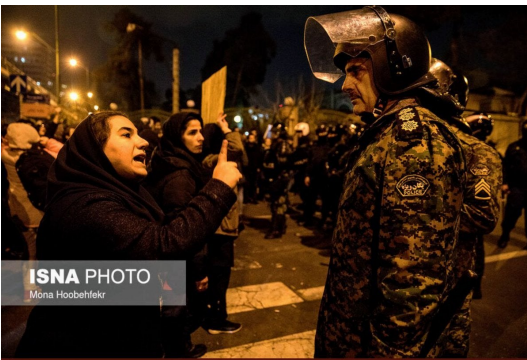
خشنوت علیه زنان بشدت بیرحمانه است، در میدان وحشت و با رنگ تند مایخولمای صورت می‌گیرد. اما مجرمین در جامعه و در سایر روابط خود شهروندانی صبور، مطیع و تو سری خور و سترون بحساب می‌آیند، بدقت حساب توازن قوا را داشته و دست از پا خطا نمیکنند. غیرت اینها علیه زورگویی کارفرما به جوش نمیاید، از دست دستمزد عقب افتاده فیوزشان نمیبرد. گرسنگی خانواده بر اثر بیگاری به شرافت آنها علیه دولت بر نمیخورد، هرگز کنترل اعصابشان را در مقابل یک پاسبان از دست نمی‌دهند... این، میدان بازی جبن و سیکل معیوب از خفت و بی عرضگی است. قانون موجود به معنای واقعی وحشیانه است، توحش خود را پشت "فرهنگ و اخلاقیات" قایم میکند، و این فرهنگ از قانون رسمی تغذیه میشود. باید باخاطر آورد که فرهنگ برای طبقات بالا، جایی که در خدمت اطاعت و بی حقوقی و تسلیم نباشد حرف مفت بیشتر نیست.

زنان در اعتراضات آبان ۹۸
نوری شریفی فعال حقوق بشر و زنان



اعتراضات زنان در آبانماه ۹۸، حضور پررنگ آنان را با شجاعت و دلیری نشان داد، تا جایی که مقامات ایران بر رهبری و هدایت اعتراضات از سوی زنان تأکید کرده و از آن چنین یاد کردند "لیدر اغتشاشات زنان بودند". اما در واقع از نقطه نظر جمهوری اسلامی که زن جایگاهی فرودست دارد، این دیدگاه با تحقیرگفته میشود. آنها اصرار بر این دارند تا این نوع نگاه را در جامعه رواج دهند و اینگونه القا کنند که، به دلیل اینکه زنان، احساساتی و منفعل هستند و بیشتر و آسانتر گول میخورند، پس زنان و رهبران این قیام هم بنا به همان نقص عقلانی جنسیتی، فریب خوردگانی بیش نیستند که از سوی دشمنان تشویق و ارتزاق میشوند. از طرفی هم جمهوری اسلامی ایران، تأثیر گذاری زنان را در اعتراضات آبان ۹۸، به این خاطر پررنگ کرده و آنها را با دشمنان داخلی و خارجی معاند مربوط ساخته، تا بتواند در آینده توجیهی داشته باشد برای سرکوب هرچه بیشتر زنان و تنگتر کردن فضا برای آنان و یا حتی حکمهای سنگینی که برای زنان بازداشتی قرار است در نظر بگیرد. سالهای ستم و تبعیض ثابت کرد که تصویر زنان در این اعتراضات تصویری واقعی از زنان ما بود و یادآور شجاعت و رهبری آنها در اوایل انقلاب در روز ۸ مارچ (روز زن)، برای حجاب اجباری میباشد که از گسترده ترین و علنی ترین نوع اعتراضات است، در زمانی که کمتر کسی جرأت مخالفت آشکار با خمینی را داشت. از آن زمان تاکنون در اوج اختناق و سرکوب، زنان همواره پیشقدم بودند چرا که بطور مضاعف (در هر زمینه ای و بواسطه زن بودنشان) سرکوب میشوند، اما هیچگاه از پای ننشسته اند و اگرچه همواره محصور گشته اند اما

اعتراض هم کرده اند برای نمونه میتوان گفت ترسناکترین و شکست ناپذیرترین تابوها، غالباً حول محور زنان بوده است، مواردی همچون حجاب اجباری، روابط زن و مرد، عرصه های کار، اقتصاد و سیاست، رفتن به ورزشگاه، دوچرخه سواری و ... در واقع اوج سرکوب و محرومیتی که زنان در جمهوری اسلامی تحمل میکنند، ناگزیر آنها را به صف نخست مقاومت کشانده است، چرا که هر چقدر میزان فشار و ظلم بر یک گروه اجتماعی بیشتر میشود، میزان مقاومت، جسارت، تجربه اعتراض، و پتانسیل مبارزه هم در او بیشتر میگردد. زنان نیز در ایران اینگونه پرچمدار قیام و اعتراضات گوناگون شده اند. حضور زنان در قیام آبان ۹۸ آنچنان برجسته بود که مسئولان بناچار اعتراف کردند. رحمانی فضلی وزیر کشور حکومت که از رهبری زنان در این قیام وحشترده بود، گفت: «دو سه ساعت بعد از اجرای طرح سهمیه بندی بنزین با بعضی از نیروهای در صحنه اعتراضات مواجه شدیم که در هسته های ۵ و ۴ نفره بودند؛ یک خانم معمولاً با آنها بود و دعوت به اعتراض و تهییج مردم می کردند.» حکومت ولایت فقیه هرگز نمیتواند در باور خود بگنجاند، نیروی بالنده زنان که دهه هاست تحت بدترین و شدیدترین سرکوبها چه در خانه و چه در جامعه بوده است، اصلی ترین نیرو برای تغییر باشد. این حکومت همواره تلاش می کند حرکت زنان در قیام آبان ماه را در بستر فکری خود که کاملاً بر زن ستیزی استوار و نهادینه شده است تبیین کند، اما



بیشمار زنان و دخترانی که قربانی جنایات این حکومت دیکتاتور شدند، رهبران این جنبش پویا میباشند. همه آنها پیشروان راه این مبارزه بی امان هستند تا محو کامل استبداد دینی و دشمنان قسم خورده مردم ایران زمین. /

به سازمان رهایی زن پیوندید
نشریات ما را بدست دوستان خود
برسانید

<https://www.rahaizan.tv>

واقعیت صحنه چیزی است که همه با آن روبرو بوده اند، کف خیابانها توسط زنان و دختران ایران زمین هدایت و رهبری میشد. اگرچه این زنان شجاع، در رسانه های جمهوری اسلامی ایران «آشوبگران حرفه ای» خوانده شدند: «آشوبگران حرفه ای؛ این شاید بهترین لفظی باشد که بخواهیم روی اغتشاشگران این چند روز اخیر در کشورمان بگذاریم؛ در این میان زنان نقشی محوری در لیدری این آشوبها برعهده دارند.» این اعتراف، یادآور حکومتی است که تبعیض ها و سرکوبهای سیستماتیک بر روی زنان را در تمامی قوانین مدنی و مجازات اسلامی آن، میتوان مشاهده کرد و ایدیولوژی خود را نیز بر این مبنا گذاشته است که زنان زیر مجموعه مردان اند، آنان را موجوداتی ناتوان از تصمیم گیری و شکننده به حساب می آورد که تنها با وجود مردان میتوانند اجازه وجود داشته باشند و هرگونه استقلال را برای زنان

منع خشونت علیه زنان
سحر باباسلجی



در آستانه گرامیداشت 25 نوامبر دیگری هستیم، که به اسم روز جهانی منع خشونت علیه زنان نام گذاری شده است. از زمان گرامیداشت چنین روزی همانند، 8 مارس روز جهانی زن ابعاد و بازتاب های گسترده ای در کل جهان داشته است. در دنیای امروز با توجه به پیشرفت در بسیاری زمینه ها اعم از، تکنولوژی، و هنجارهای اجتماعی، و رشد جمعیت در دنیا متأسفانه به همان میزان در بسیاری از جوامع از جمله ایران پیامد های مخربی نیز، در پی داشته است. بطور مثال در ایران زنان بیشتر آسیب پذیر تر هستند، و با توجه به موقعیت کنونی جامعه ایران از قدیم تا کنون زنان همواره بیشتر در معرض انواع خشونتها چه خشونت جسمی،

وروحی قرار داشته اند. به مدد دستاوردها در زمینه اینترنت و فضای مجازی، چه بسا که در کشور ایران به لحاظ اینکه قشر جوان، و تحصیلکرده اعم از شاغل و غیر شاغل بیشتری وجود دارد دسترسی به اینترنت و فضاهای مجازی بستر مناسبی را برای استفاده های گوناگون بسیاری از جوانان را فراهم کرده است. که متأسفانه جرایم رایانه ای نیز در بعضی از افراد نه تنها در ایران بلکه در کشور های دیگر نیز، به وضوح قابل مشاهده است. اخیراً همانطور که مستطهر هستید در تایلند گذشته قتل رومینا اشرفی دختری 13 ساله که مظلومانه بدست پدر خود به قتل رسید که این جنایت بازتاب بسیار وسیع و گسترده ای نه تنها در ایران، بلکه در کل دنیا داشته است دختری که با یک دنیا امید و آرزو، برای فرار از نامهربونی های که از پدرش داشته دلبسته مردی میشود که، با وجود اختلاف سنی زیاد، رابطه عاطفی ایجاد کرده و آن شخص با انتشار عکس، فیلم در اینستاگرام و مشاهده آنها توسط پدرش زمینه خشم و نفرت را در دل پدر رومینا برقرار کرد و همین باعث شد که اون وحشیانه دخترش را به قتل برساند.

افسوس و صد افسوس این قبیل خشونتها نسبت به زنان اولین و آخرین نخواهد بود و کامکان زنان و دختران جوان همواره در معرض خطر هستند که بعضاً به قتل آنان میانجامد. در چند سال اخیر چه بسیار اتفاقات ناگواری به واسطه همین جرایم رایانه ای اتفاق افتاده است، که در اخر منجر به قتل زنان و دختران مظلوم و ستمدیده ای که نا خواسته

من به شخصه امیدوارم که روزی برسد، که تبعیض بین زن و مرد از بین رود و زنان نیز به آن مساوات و برابری و حق قانونی خود، نیز دست پیدا کنند، که همواره زنان دوشادوش مردان در جامعه، به عدالت و برابری حق خویش اجتماعی، و فردی خویش دست پیدا کنند، و به امنیت روانی برسند، و خشونت و نابرابری بر علیه زن برای همیشه بر چیده شود.



۸۶ روز است از اعدام #نوید افکاری

می‌گذرد. حبیب و وحید، دو برادر نوید افکاری،

۲۸ روز است که در انفرادی تحت شکنجه

هستند و از آنها خبری نیست. صدایشان باشیم

گفتگو با نسرين پرواز، نویسنده خاطرات زندان، مبارزه یک زن در ایران



<https://youtu.be/cVzK3WZF3TA>

مینو همتی: مبارزه برای آزادی و برابری و برقراری عدالت اجتماعی در ابعاد و اشکال گوناگون در دل جوامع بشری جاری است، هر چند جریان مبارزه گهی خروشان و پر التهاب و گاهی آرام و زیر پوسته شب جاریست، و در مسیر خود تجربیات نسل پیشین را به نسل بعدی منتقل میکند. هر چند رژیمهای استعمارگر از ارگانهای سرکوب برای خاموش کردن معترضین به نظم موجود و برای ارباب جامعه و تداوم نظام بردگی سود میجویند، لیکن در پشت دیوارهای زندان نیز مبارزه در تداوم است، و شنیدن روایات آن توسط انسانهای آزاده ای که از این تونل زمان قرون وسطائی عبور کردند برای نسل جوان ضروری و مفید است.

در برنامه امشب میهمان بسیار عزیز داریم از تبار مبارزان راه آزادی و برابری که خاطرات زندان را برای نسل خود و نسلهای بعدی برشته تحریر درآورده. نسرين پرواز، فعال سیاسی مدافع حقوق کارگران، زنان و کودکان، نویسنده و فعال حقوق بشر مقیم لندن را روی خط داریم. نسرين پرواز عزیز به برنامه رهائی زن خوش آمدید.

بینندگان رهائی زن با چهره و آثار شما کما بیش آشنا هستند، مایلیم مقدمتا برای نسل جدید بینندگان ما، مختصری از تاریخچه فعالیت خودت توضیح بدهی.

نسرين پرواز: من سال 58 علیه جمهوری اسلامی وارد فعالیت سیاسی شدم. در آن زمان خیلی از هم نسلی های من علیه جمهوری اسلامی فعال بودند. مردم شاه را بیرون کرده بودند، چون زمان او هم آزادی سیاسی نبود. بخشی از مردم که کار نداشتند و حاشیه نشینان که آلودگی هایشان را روی سرشان خراب می کردند، به سختی زندگی را می

روز دانشگاه محاصره بود. من آنجا بودم. مرتب گاز اشک آور می زدند. چند نفر از جوانان تیر خوردند و به بیمارستان منتقل شدند.

دستگیریهایی که به 30 خرداد شصت معروف است و باعث شد که خیلی ها را توی خیابانها دستگیر کنند، باعث نشد که جوانان از خواسته هایشان بگذرند و صحنه سیاسی را خالی کنند. مبارزه ادامه داشت، همانطور که همچنان ادامه دارد. رژیم تاریخ دروغی به نسل جوان القا کرده، با این مفهوم که نسل من رژیم را به قدرت نشاند. واقعیت این نبود. زندانها پر از جوانان بودند. آنقدر که سلولها جا نداشتند و زندانیان را توی راهروها می خواباندند. وقتی اوین رفتم شبها مثل ماهی ساردین به هم چسبیده می خوابیدیم. اگه نصف شب می رقتیم دستشویی وقتی برمیگشتیم، جای خوابمون پر شده بود. می خواهم بگویم، نسل من علیه این رژیم مبارزه کرد و خیلی اعدامی داد. دوستان زیادی از خودم اعدام شدند.

به هر حال من که سال 58 وارد مبارزه سیاسی علیه جمهوری اسلامی شدم، سه سال بعد یعنی سال 61 دستگیر و شکنجه شدم و ابتدا حکم اعدام داشتم. ولی هشت سال در زندان ماندم.

مینو همتی: در نگاه نخست، پدیده زندانهای سیاسی و عقیدتی و خبر آنچه بر سر عزیزان در بند میآوردند، هر انسان با وجدان را میآزارد. بازگو کردن جزئیات جدالی که بین انسانیت و نظامهای ضدبشری پشت دیوارهای زندان در جریان بود، برای شما از چه ضرورتی ناشی میشود؟

نسرين پرواز: به نظر من باید علیه دیکتاتوری ها و زندانهایشان نوشت. وگرنه چطور می توانیم روزی جامعه ای آزاد از هر نوع شکنجه ای داشته باشیم؟ خاطرات زندان می تواند اشکال مبارزه در یک جامعه و مقاومت در زندان را به نسل های بعدی و به جوامع دیگر منتقل کند. برای من نوشتن در مورد زندان وسیله مبارزه علیه رژیم است.

کتاب "زیر بوته لاله عباسی" که خاطرات زندانم به فارسی است، در وبسایتیم هست اگر شنودگان دوست دارند آنرا بخوانند.

رمان "وسوسه این بود" هم در رابطه با کشتار زندانیان در سال 67 است. برای این کتاب با زندانیان سابق مرد مصاحبه کردم. این رمان نیز در وبسایتیم هست.

بعلاوه این دو کتاب مقالاتی نیز در رابطه با زندان نوشته ام که در وبسایتیم هستند. البته در ایران باید از فیلترشکن استفاده کنید تا بتوانید وارد وبسایتیم بشین.

گذرانند. کارگران هم از پس مشکلات اقتصادی شان بر نمی آمدند. و علیه شاه بلند شدند. با فرار شاه، اسلامیت ها با کمک غرب قدرت را گرفتند. چندی پیش ویکلیکس فاش کرد که خمینی را آوردند فرانسه و هم در آنجا و هم وقتی به ایران رفت، آمریکا مرتب تماس های مخفیانه با خمینی داشت. خلاصه اسلامی ستها که بر خلاف بقیه جریانات سیاسی زمان شاه فعالیتشان آزاد بود، به کمک غرب نه تنها قدرت را گرفتند، بلکه توانستند انقلاب مردم را در نطفه خفه کنند.

در هر صورت در فاصله بین فرار شاه تا زمانی که رژیم توانست خودش را تحکیم کند، یعنی 30 خرداد شصت، مردم بخصوص جوانان اعتراضات زیادی علیه رژیم نشان می دادند. جریانات زیادی متولد شده بودند - تعداد زیادی از این جریانات کمونیستی بودند. من هم با جریان کمونیستی وارد فعالیت سیاسی شدم. خواسته هایمان هم همین چیزهایی بود که جوانان امروز می خواهند و برایش مبارزه می کنند و به زندان می افتند و اعدام میشوند. من هم به همین دلایل یعنی جدایی دین از دولت، برابری زن و مرد در قانون و همه عرصه های کار و زندگی، کار یا بیمه بیکاری و کلا یک زندگی خوب برای همه مبارزه می کردم. از 30 خرداد شصت که رژیم خودش را تحکیم کرد، شروع کرد به سرکوب و حشیانه انقلاب. یعنی جلوی تجمعات سیاسی را می گرفتند و افراد را شناسایی و دستگیر می کردند.

به جریانات سیاسی که در دانشگاهها فعالیت می کردند و مثلا دفتر یا میز داشتند تذکر دادند و وقت تعیین کردند که اگر دانشگاه را خالی نکنند رژیم به دانشگاه حمله خواهد کرد و همه را دستگیر می کند. البته برای چند

مینو همتی: چرا رژیم اسلامی که زندان و شکنجه یکی از ارکان اصلی موجودیتش را تشکیل میدهد، دائما تلاش میکند که جنایات خود را از چشم نسلهای جوان بپوشاند؟ برای نمونه دایره کردن موزه عبرت!

نسرین پرواز: موزه عبرت برای این است که تاریخ را وارونه به نسل جوان نشان دهند. جمهوری اسلامی بیش از بیست سال از کمیته مشترک ضد خرابکاری استفاده کرد، ولی وقتی آثار موزه زندان کرد ادعا کرد که هرگز از آن استفاده نکرده است. در واقع آرایش موزه عبرت این است که تنها رژیم شاه از آن استفاده کرده است و حالا جمهوری اسلامی آن شکنجه‌هایی را که رژیم شاه علیه سیاسی‌ها بکار برده به نمایش گذاشته است.

من 6 ماه اول دستگیریم را در این زندان بودم و در واقع آنجا بازجویی شدم. برخی زندانیان در این زندان زیر شکنجه جان سپردند.

در انتخاب نام عبرت برای این موزه نیز زرنگی ای نهفته است و آن اینکه بازدیدکننده عبرت بگیرد و هوس مبارزه سیاسی نکند.

من زمانی به اسم "نامه‌های مخفی اکس به ا" به انگلیسی نوشته‌ام که داستان ساختن موزه عبرت توسط جمهوری اسلامی است.

مینو همتی: شما کتب (مبارزه یک زن در ایران - خاطرات زندان) را که به انگلیسی نیز به چاپ رسیده برای کدامین مخاطب و با چه منظوری به رشته تحریر درآوردید؟

نسرین پرواز: این کتب دو نوع مخاطب دارد: یکی خواننده انگلیسی که اطلاعاتی از جمهوری اسلامی و چگونگی به سر کار آمدن آن و زندانهایش ندارد. چرا که مدیای غرب هم اطلاع‌رسانی درستی نمی‌کنند.

مخاطب دیگر جوانانی هستند که پدر و مادرشان ایرانی‌اند و مجبور به فرار از ایران شدند. این جوانان یا بچه بودند که خانواده‌هایشان ایران را ترک کردند و یا کلا خارج از ایران متولد شدند. و در نتیجه اطلاعات کافی در مورد رژیم و دهه شصت ندارند. فیدبک‌های مثبتی از این قشر از جوانان که کتابم را خواندند گرفتم.

در ضمن باید اشاره کنم که ترجمه‌های اسپانیایی و آلمانی این کتاب کامل شده‌اند و در حال انتشار هستند.

مینو همتی: بسیاری از فرزندان مهاجرین در خارج از ایران زندگی میکنند، زیر بمباران تبلیغاتی و عوامفریبی رژیم اسلامی قرار دارند، آگاهی‌رسانی به این نسل در خارج از کشور نیز ضروریست، علاقمندان به مطالعه روایت شما از این واقعیات تاریخی از چه طریق میتوانند این کتب را تهیه کنند؟ هر دو کتابم را می‌توانند از:

Amazon.co.uk تهیه کنند. هم به شکل کتاب می‌توانند بخرند و هم به شکل ای‌بوک آیا نکته‌ای هست که دوست داشته باشی با خوانندگان در میان بگذاری؟

نسرین پرواز: بله. من کمپنی علیه اعدام چند تن از جوانانی که به جرم شرکت در تظاهرات سال‌های اخیر دستگیر شدند تنظیم کرده‌ام. الان بیش از 1000 امضا جمع شده ولی آگهی همانطور که قبلا گفتیم، بینندگان امضایش کنند و امضاها زیاد بشه، شاید بتوانیم جلوی اعدام این عزیزان را بگیریم.

لینک پتیشن را در کانال تلگرام "ته به اعدام" و یا در فیسبوک یا توییتر من میتونند پیدا کنند. اسامی که در لیست من هست و در دیوان عالی تأیید شده عبارتند از:

محل‌الدین ابراهیمی، هادی کیانی، عباس محمدی، محمد بسطامی، مجید نظری، مهدی صالحی، حیدر قربانی، ارسلان خودکام، سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی، محمد رجبی.

البته تعداد دیگری هم حکم اعدام گرفتند ولی چون هنوز دیوان عالی حکم آنها را تأیید نکرده، اسامی آنها را در این لیست نگذاشتم، به این امید که اعدامشان تأیید نشود. به جز این عزیزان که نباید فراموششان کنیم، می‌خواهم به این اشاره کنم که در حال حاضر با این وضعیت کرونا بیش از 40 زندانی سیاسی زن داریم، آگهی اجازه بدی دوست دارم از آنهايي که به جرم فعالان کارگری و

همینطور زنانی که به خاطر کشف حجاب دستگیر شدند در اینجا یاد کرده باشم: عسل محمدی، ندا ناجی، مرضیه امیری، ساناز الله یاری که به همراه همسرش امیرحسین محمدی که به دلیل حضور در روز جهانی کارگر و حمایت از کارگران هفت تپه دستگیر شدند.

صباکردافشاری، یاسمن آریانی، منیره عربشاهی که مادر یاسمن میباشد و مژگان کشاورز.

همانطور که توی صحبتیم گفتیم، نسل من با رژیم مبارزه کرد و متأسفانه خیلی اعدام داد و میدونم مبارزه با رژیم بدون اعدام نیست. ولی مسئله اینه که رژیم نمیتونه همه را بکشه، همه را دستگیر کنه و بیره زندان و من مبینم، نمیدونم کی، ولی من به وضوح مبینم روزی را که مثل تظاهرات 3 سال اخیر که مردم اومدن بیرون و این دفعه برنمیگردند خانه هاشون و رژیم را در واقع میندازن.

بله من حرفم به جوان‌ها اینه که من این را می‌بینم که رژیم رفتی، اونم به وسیله مردم.

نسرین عزیز با سیاست از اینکه نظرات خود را با بینندگان ما در میان گذارید. با تشکر از دعوتتون.

(با تشکر از مرضیه آدمی برای پیاده کردن متن مصاحبه تلویزیونی)

اطلاعیه

سازمان رهایی زن پیشگام سال نو میلادی 2021 را به همه‌ی خوانندگان عزیز تبریک عرض کرده و آرزوی سلامتی و شادی برای همه‌ی شما عزیزان را دارد. ضمناً به اطلاع می‌رساند نشریه رهایی زن در ماه دسامبر منتشر خواهد شد و از آنرا هم ژانویه مجدداً با شما هم‌راهمان همیشگی خواهیم بود. مینو همتی - شراره رضانی



تفاوت همجنس گرایی و همجنس بازی
شیمما مقدم

اغلب مردم همجنس گرایان را همجنس باز صدا می زنند، عده ای قصد توهین دارند و هموفوبیا هستن اما عده ای به علت نداشتن آگاهی کافی به اشتباه از واژه همجنس باز به جای همجنس گرا استفاده می کنند.

در صورتی که این واژه برای همجنس گرایان کاملا اذیت کننده است. همجنس بازان افرادی هستند که در صورت فقدان جنس مخالف و یا تنوع طلبی با هم جنس خود مقاربت میکنند و در حالت عادی میتوانند با جنس مخالف مقاربت نمایند.

همجنس گرایی یا تعلق عاطفی و جنسی به جنس موافق؛ امروزه دیگر لغت نامانوس و نا آشنایی به نظر نمی رسد. امروز در اقصی نقاط جهان؛ هم جنس گرایان به عنوان بخشی از شهروندان جامعه زندگی می کنند و بسیاری جوامع حقوق آنان را به رسمیت شناخته اند.

اما در این زمینه با دو لغت و دو تعریف کاملا مجزا روبرو هستیم که گاهی به غلط مترادف هم تلقی می شوند. در تعریف نخست؛ همجنس گرایی؛ با داشتن بار معنایی گرایش؛ به یک گرایش و کشش فطری اشاره دارد که می بایست لزوما در نهاد فرد قرار داشته باشد. اما همجنس بازی؛ با همراه داشتن بار معنایی لغت بازی؛ به یک تفنن جنسی و یک متد ارضا نیازهای عاطفی و جنسی اشاره می کند.

فطری یا انتخابی جدل از آنجا آغاز می شود که همجنس گرایی در برابر این سوال قرار می گیرد. فطری یا انتخابی؟

اگر تمایل فطری؛ عاطفی و جنسی به جنس مخالف را حالت ایده آل و معمول فرض کنیم و بپذیریم که کشش و جاذبه به جنس مخالف درست همانند داشتن دو دست و دو پا و یک بینی نشانه سلامت جنسی و ژنتیکی انسان محسوب می شود؛ می توانیم همجنس گرایی

را یک حالت فطری و ژنتیکی خاص بنامیم. البته لازم به ذکر است که کماکان در این تعریف همجنس گرایی به عنوان یک حالت خاص محترم و همجنس گرا به عنوان یک انسان صاحب حق و حقوق کامل شهروندی محسوب می شود.

همجنس گرایی به عنوان یک انتخاب اما اگر تمایل جنسی و عاطفی به جنس موافق را یک نوع از انواع ارتباطات قابل انتخاب انسانی در نظر بگیریم؛ با این تعریف که هر انسانی که بخواهد می تواند آن را به عنوان یک تنوع و یک راه ارضا غرایض خود انتخاب کند؛ در این صورت همجنس گرایی را یک متد قابل انتخاب دانسته ایم.

در این حالت باید بپذیریم که تمایل به جنس موافق نیز همانند تمایل به جنس مخالف در نهاد فطری اکثریت انسان ها وجود دارد و تنها این روش های تربیتی بوده که یکی را بارور کرده و دیگری را خفته نگه داشته است. بر همین اساس هر لحظه ممکن است تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی و تربیتی؛ این حس فروخته بالفعل گردد و در تمایلات انسان نمود پیدا کند.

همجنس گرایی نمی تواند انتخابی باشد روش های تربیتی و تاثیر تربیت در زندگی انسان از گذشته تا به امروز درگیر محدودیت هایی ست که بر همین اساس نمی توان پذیرفت همجنس گرایی هم دقیقا همانند تمایل به جنس مخالف در نهاد همه انسان ها و به همان شدت وجود داشته باشد.

انحصاری بودن روش های تولید مثل به ارتباط زن و مرد؛ باعث شده است که ایده آل ترین تعریف خانواده در انحصار تمایل به جنس مخالف قرار گیرد و چون روش تولید مثل؛ یک بحث تربیتی نیست؛ می توان نتیجه گرفت که همجنس گرایی که حالت خاص از تمایلات جنسی و عاطفی ست نه یک حالت عمومی.

همجنس گرایی بیماری نیست بیماری حالت خاصی از شرایط ژنتیکی و روانی ست که به دلیل مشکلاتی که برای فرد مبتلا فراهم می کند نیازمند درمان است و اصولا- حتی با شانس بسیار اندک- با درمان قابل معالجه است. اما همجنس گرایی با اینکه یک حالت خاص ژنتیکی و روانی ست اما نیازمند درمان نیست و اصولا با درمان قابل معالجه نیز نمی باشد. پس از تعریف بیماری خارج است.

همجنس بازی؛ انحراف جنسی ناشی از شرایط اجتماعی؛ فرهنگی و تربیتی ست که در فردی که فطرتا همجنس گرا نیست ظهور می کند. مثلا در شرایط فشار و سختگیری پیرامون مسائل جزئی جنسیتی؛ افرادی به ناچار و به علت دسترسی بهتر به هم جنسان

خود؛ برای ارضا غرایض جنسی به همجنس بازی روی می آورند. در این حالت اگر این شرایط ادامه پیدا کند؛ فرد به این شرایط عادت کرده و فطرت اصولی جنسی اش که همانا تمایل به جنس مخالف است به مرور تضعیف می شود و به غلط تصور می شود که این فرد همجنس گراست.

همین طور در شرایط بی بند و باری جنسی؛ همجنس بازی بسیار مشاهده شده است. فرد در این شرایط به دلیل غوطه ور شدن در مسائل جنسی؛ دچار یک تنوع طلبی بیمار گونه می شود و به انحرافات جنسی دچار می شود. انحرافات مازوخیستی؛ آزار طلبی و همجنس بازی شایع ترین نمونه های انحرافات در شرایط بی بند و باری جنسی هستند.

دیگر عامل جدی بروز انحراف همجنس بازی؛ عدم آگاهی کافی از روش ها و اصول ارتباط جنسی کامل و سالم با جنس مخالف است. معمولا زنانی که در ارتباط جنسی خود با مردان دچار یک نوع مردسالاری عمیق جنسی و به نوعی بهره کشی و آزار شده اند و حقوقشان در آمیزش جنسی به هیچ گرفته شده است؛ پس از مدتی دچار سرد مزاجی و زدگی و ترس از روابط جنسی می شوند. در این مواقع احتمال خطر همجنس بازی به وجود می آید. چون در این گونه موارد فرد به یک نفر از جنس خود بیشتر و بهتر می تواند اعتماد کند و نزدیک شود.

همجنس گرایی یکی از گرایش های جنسی است که ویژگی آن تمایل زیبایی شناختی، عشق رومانسیک و تمایل جنسی فردی است که تنها متوجه جنس همگون با خود او است. همجنس گرایی همراه با دو گرایش دیگر جنسی، یعنی دگرجنس گرایی و دوجنس گرایی، جزو سه گرایش اصلی جنسی است. به فردی که به جنس دیگر گرایش داشته باشد دگرجنس گرا و به افرادی که هم به جنس دیگر و هم به افراد همجنس با خود تمایل دارند، دوجنس گرا می گویند.

همجنس گرایی را با همجنس بازی اشتباه نگیرید و به همجنس گرایان همجنس باز نگوئید، با گفتن همجنس باز به همجنس گرایان به آنها به گونه ای توهین کرده اید.

سایت نشریه رهایی زن

<https://>rahaizana.org.blogspot.com

اجرای حکم شلاق #داوود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو و فعال کارگری



این حکم تحت عنوان توهین به وزیر کار سابق -علی ربیعی- توسط محاکم قضایی صادر و اجرا شده است.

داوود رفیعی، کارگر اخراجی #پارس خودرو بعد از تحت فشار قرار گرفتن وثیقه گذارش توسط دستگاه قضایی، هنگام مراجعه به #دادسرای مقدس برای پیگیری مسئله بدون حکم قطعی و اطلاع قبلی، توسط مأموران اجرای احکام هفتاد و چهار ضربه شلاق خورد!

این اقدام شنیع در حالی صورت می گیرد که روند دادرسی #داوود رفیعی هنوز تکمیل نشده است و این حکم به تایید دیوان عالی قضایی نرسیده بود. این در حالی است که طبق قانون، چنین حکمی تنها با تایید دیوان عالی قابلیت اجرایی دارد.

این حکم تحت عنوان توهین به #وزیر کار سابق و سخنگوی فعلی دولت، #علی ربیعی صادر شده بود. رفیعی در جریان تلاش هایش برای بازگشت به کار در کارخانه پارس خودرو نسبت به عملکرد وزارت کار انتقاد داشت. او در یکی از اعتراضاتش پلاکاردی با شعار «مرگ بر وزیر کار» را با خود به همراه داشت و این امر دستمایه حکم هفتاد و چهار ضربه شلاق تایید نشدهی او شد.

داوود رفیعی در سال هزار و سیصد و نود و یک از کارخانه پارس خودرو اخراج شد و طی هشت سال گذشته همواره پیگیر بازگشت به کار خود بوده است. او بارها در رابطه با اعتراضات کارگری طعم بازداشت را چشیده است. از جمله این بازداشتها می توان به بازداشت او در روز جهانی کارگر سال هزار و سیصد و نود و هشت به عنوان یکی از دهها بازداشتی آن روز اشاره کرد.



اقدام به خودکشی دو کودک در بندر عباس، مرگ دختر ۸ ساله را رقم زد

به نقل از رکنایک دختر ۸ ساله به نام آیلار در بندر عباس از طریق حلق آویز کردن اقدام به خودکشی کرد و جان باخت. غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی هرمزگان گفت: «در پی اعلام کلانتری ۱۷ شهرستان بندر عباس مبنی بر پیدا شدن جسد حلق آویز شده یک کودک ۸ ساله در این شهرستان و انتقال وی به بیمارستان، مأموران انتظامی جهت بررسی موضوع به بیمارستان اعزام شدند».



پدر متوفی با حضور مأموران در اظهاراتش اعلام داشت: «دخترم شب گذشته با دختر همسایه برای بازی به پشت بام منزل رفته و وقتی صبح از خواب بلند شدم دیدم دخترم در منزل حضور ندارد به پشت بام رفته و مشاهده کردم که با طناب خود را حلق آویز کرده است».

با هماهنگی بعمل آمده اکیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی متشکل از کارشناسان بررسی صحنه و رئیس اداره مبارزه با جرائم جنایی به محل حادثه اعزام و تحقیقات از خانواده و دوستان وی آغاز شد.

مأموران طی اقدامات پلیسی به یکی از دوستان متوفی که دختری ۱۲ ساله می باشد مظنون شدند، او بیان داشت که؛ شب حادثه به منظور بازی به بالای پشت بام رفتیم و با توجه به اختلافات شدید خانوادگی و از آنجا که تحت تاثیر خودکشی یکی از دوستان خود بودیم، تصمیم گرفتیم خودکشی کنیم.

این دختر نوجوان در ادامه اظهاراتش گفت: «نخست من خودم را حلق آویز کردم که تحمل ننموده و خودم را نجات دادم و سپس دوستم خودش طناب را دور گردنش پیچید و سپس من نیز طناب را به سمت بالا کشیدم تا بی حال شد که با دیدن وضعیت وی ترسیده و برای به نجات او اقدام کردم اما متأسفانه نتوانستم طناب را از گردنش باز کنم و از روی ترس محل را ترک کردم».

حسب دستور مقام قضائی دختر ۱۲ ساله متهم شناخته و جهت نگهداری تحویل اداره بهزیستی شهرستان بندر عباس شد. سهم نوجوانان ایرانی از خودکشی های سالانه از سوی سازمان پزشکی قانونی بیش از ۷ درصد اعلام شده است.

بازداشت یک نوجوان توسط نیروهای امنیتی در شهرستان شوش



خبرگزاری هرانا - یک نوجوان ۱۵ ساله اهل شهرستان شوش واقع در استان خوزستان روز چهارشنبه ۵ آذرماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

روز چهارشنبه ۵ آذرماه ۱۳۹۹، یک نوجوان ۱۵ ساله اهل شهرستان شوش توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. هویت این شهروند «امیر دبات (کعبی) ۱۵ ساله، اهل روستای خشان از توابع شهرستان شوش» توسط هرانا احراز شده است.

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

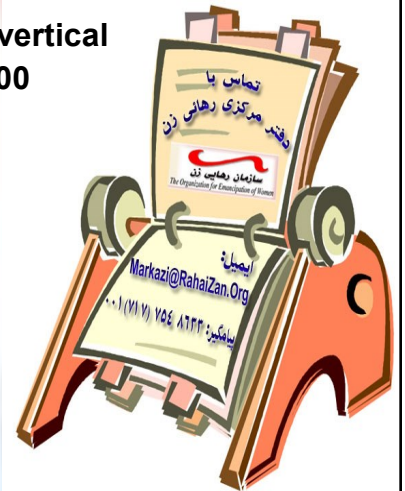
@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت 20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید بیننده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd
HoT BIRD
Frequency 11541 vertical
Symbol Rate: 22000
Pol V
FEC 5.6



برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

نروژ: شادی و رویاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: motiei_rojan@yahoo.com

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: firouzeh.farrahi@yahoo.com

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دو ماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: MinoHemati@GMail.com

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ: وریا نقشبندی

تلفن تماس: 0046705827583

0046705827583

ایمیل: verya.1360@gmail.com

سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: sara_tina2003@yahoo.com

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: shararehzeaei.p@gmail.com